روایت زراره دلیل اول صاحب حدائق بر ادعای بازگشت اختلاف احادیث به تقیه

فرمودهاند شما گفتی روایات و ادله صاحب حدائق برای اینکه بگویند تقیه بهخاطر القاء خلاف است، تام نیست. چرا ادله ایشان تام نیست؟ چطور میگویی تام نیست؟ البته وقتی من محضر شما گفتم، بعد آقا اشاره کردند که مرحوم شیخ در رسائل هم فرمودهاند. آن جای رسائل را زیادآورده بودم ولی یادم نبود. دیدی مرحوم شیخ فرمودهاند محدث بحرانی در حدائق وجوهی را گفتهاند که هیچ کدامش تام نیست. شیخ این را در رسائل فرمودند. حالا من روایت را میخوانم تا ببینیم مقصود ایشان را میرساند یا نه.

اولین روایتی که ایشان بر مقصود خودشان آوردهاند، این است:

> **أصحابنا رضوان الله عليهم خصوا الحمل على التقية بوجود قائل من العامة. و هو خلاف ما أدى اليه الفهم الكليل و الفكر العليل من اخبارهم صلوات الله عليهم، رأينا أن نبسط الكلام بنقل جملة من الأخبار الدالة على ذلك، لئلا يحملنا الناظر على مخالفة الأصحاب من غير دليل. و ينسبنا الى الضلال و التضليل** [1]

«أصحابنا رضوان الله عليهم خصوا الحمل على التقية بوجود قائل من العامة»؛ اگر قائل دارد آنها گفتهاند. بعد میفرمایند: **«و هو خلاف ما أدى اليه الفهم الكليل و الفكر العليل من اخبارهم صلوات الله عليهم»**؛ نه، ماشاء الله فکر صاحب حدائق کلیل نیست. انصافا عالمی بالا مقام و والا مقام هستند. من مکرر گفتهام با اینکه من طلبه درس خوان نبودم، همین اندازهای که درس خواندم، چقدر محضر این بزرگوار استفاده کردیم. اجرشان با خداوند متعال. علی ای حال میگویند برای اینکه نگویید این ذهن کلیل من که با اصحاب مخالفت میکند، دلیل ندارم، **«لئلا يحملنا الناظر على مخالفة الأصحاب من غير دليل. و ينسبنا الى الضلال و التضليل»**، بعد ادله را میآورند.

> **فمن ذلك ما رواه في الكافي في الموثق عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام قال: (سألته عن مسألة فأجابني، ثم جاءه رجل فسأله عنها فأجاب بخلاف ما أجابني، ثم جاء رجل آخر فأجاب بخلاف ما أجابني و**

> أجاب صاحبي، فلما خرج الرجلان قلت: اي ابن رسول الله رجلان من أهل العراق من شيعتكم قدما يسألان، فأجبت كل واحد منهما بغير ما أجبت به صاحبه فقال: اي زرارة ان هذا خير لنا و أبقى لكم. و لو اجتمعتم على أمر واحد لصدقكم الناس علينا و لكان أقل لبقائنا و بقائكم. قال: ثم قلت لأبي عبد الله عليه السلام: شيعتكم لو حملتموهم على الأسنة أو على النار لمضوا و هم يخرجون من عندكم مختلفين، قال: فأجابني بمثل جواب أبيه[2]

«فمن ذلك ما رواه في الكافي في الموثق عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام»؛ روایت خیلی جالبی است. زراره می‌گوید با امام باقر علیه‌السلام جریانی انجام شد، من همان را منتقل کردم و در زمان امام صادق علیه‌السلام از امام پرسیدم. عین جواب پدرشان را دوباره به من دادند. خُب روایت چیست؟

زراره می‌گوید: **«سألته عن مسألة فأجابني، ثم جاءه رجل فسأله عنها فأجابه بخلاف ما أجابني، ثم جاء رجل آخر فأجابه بخلاف ما أجابني و أجاب صاحبي»؛** سه نفر شدند.

«فلما خرج الرجلان ...اي زرارة ان هذا خير لنا و أبقى لكم. و لو اجتمعتم على أمر واحد لصدقكم الناس علينا و لكان أقل لبقائنا و بقائكم».

«قال»؛ یعنی زراره، **«ثم قلت لأبي عبد الله عليه السلام»؛** به امام صادق علیه‌السلام همین را عرض کردم. گفتم: **«شيعتكم لو حملتموهم على الأسنة أو على النار لمضوا»؛** اینها شیعه شما هستند. گوششان به دهان شما است، اگر آنها را به روی آتش، سنان و نیزه ببری مشکلی ندارند، اما همه اینها وقتی از خانه شما بیرون می‌آیند چندجور حرف می‌زنند. ما داریم می‌بینیم اگر شما بگویی در آتش برو، او می‌رود. او به شما دروغ ببندد؟!

«لو حملتموهم على الأسنة أو على النار لمضوا»؛ در آتش می‌روند. اما **«و هم يخرجون من عندكم مختلفين»؛** وقتی از خانه شما بیرون می‌آیند اختلاف دارند! او می‌گوید این جور است و دیگری می‌گوید این جور است. خُب اینها که این قدر تابع هستند، باید مجتمع بر رای واحد باشند. این چطور است؟ **«قال: فأجابني بمثل جواب أبيه»؛** حضرت فرمودند من خودم می‌خواهم تا چنین اختلافی بین شما باشد تا این پیش نیاید.

---

[1] الحدائق، ج ۱، ص ۵

[2] همان

بازبینی #2
ایجاد شده 18 آوریل 2026 13:44:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 آوریل 2026 13:54:34 توسط ... .